

واکاوی اندیشه‌های زاهدانه در مثنوی مم و زین

پ.ی. د. جهاد شکر رشید

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه صلاح‌الدین - اربیل

Jihad.rashid@su.edu.krd

چکیده

یکی از موضوعات مهم در فرهنگ بشری و به ویژه در اندیشه و ادبیات اسلامی، مسئله زهد است. گرایش خانی به زهد، ریشه در اندیشه‌های معرفت‌شناسانه وی دارد، بررسی دقیق زمینه‌های زهد او در رفع ابهام موجود درباره شخصیت وی مؤثر خواهد بود. البته این تنها علت گرایش احمد خانی به زهد نبوده، بلکه عوامل متعدد دیگری که اغلب آن از تعالیم اسلامی نشأت می‌گیرد در طریقت زاهدانه وی دخیل است که در این مجال به بررسی دقیق و موشکافانه آنها خواهیم پرداخت. احمدخانی برای بیان مقاصد زاهدانه خود کلام ساده و بی‌پیرایه و البته سمبلیک را در قالب داستان انتخاب کرده است. وی احتراز از خلق و به تنهایی پناه بردن را، از مهمات زهدورزی برمی‌شمارد و برای استناد گفتار خود، شخصیت مم را در مثال می‌آورد به این اعتبار که مم، عزلت‌گزیده بود و این سبب سروری وی بر دیگر کسان شد. این جستار که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته درصدد آن است تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که میزان مشابهت یا مغایرت مضامین زهدی در مثنوی «مم و زین» چگونه است تا بتوان از این رهگذر میزان قرابت و نزدیکی درون‌مایه‌های زهدی این شاعر را در لابه‌لای اثر گرانسنگش، مثنوی «مم و زین» سنجید. از اینرو، نگارنده با این باور که اثر خانی تا اندازه‌ای متمایل به زهد و ترک دنیا است، در این مقاله سعی بر آن دارد تا به تحلیل مضامین زاهدانه در مثنوی «مم و زین» بپردازد.

واژه‌های کلیدی: خانی، مثنوی مم و زین، زهد، اندیشه‌های زاهدانه.

۱ - مقدمه

یکی از مباحثی که در مثنوی مم و زین انعکاس یافته و نقش و جایگاه خاصی دارد، مسئله زهد است. زهدیات احمدخانی از حیث ادبی و فنی ارزش بسیاری دارد، وی توانسته است پندهای خود را از زبان و عملکرد شخصیت‌های داستانی‌اش به طور غیرمستقیم در قالبی عرضه بدارد که از جمود و خشکی اشعار تعلیمی به دور باشد و خشونت زاهدانه و پندآموز کلامش را از نظر خواننده پنهان بدارد. او در زهدیات خود ثابت می‌کند که می‌تواند به نحو عجیبی معانی مجرد را چنان در لباس محسوس عرضه دارد که بر زیبایی آن بیفزاید. نگرش وی به مسائل اگرچه گاه فلسفی است اما با زهد آمیخته شده است. وی نکات فلسفی و عرفانی را از زبان شخصیت‌های داستان بیان می‌کند. احمد خانی سیر و سلوک معنوی خود را از مقام زهد به معرفت عابدانه و از معرفت عابدانه به عرفان عاشقانه‌ای به وصف می‌کشاند. احمد خانی از شاعرانی است که معنای والای تربیتی، اجتماعی و عرفانی را در قالب شعر زهد^(۱) با بیانی شیوا و دلپذیر از رفتار و زبان شخصیت‌های داستانش بیان کرده است. درباره مفهوم زهد در مثنوی احمد خانی باید گفت که اکثر درونمایه شعری او حول محورهای مرگ روحانی، فنای دنیا و آدمی، نکوهش دنیا و دنیاپرستان، روی آوردن به زهد و توکل بر خدا و دنیا گریزی است. از اینرو، شیوه‌ی سلوک زاهدانه احمد خانی را می‌توان در بعد زهد عملی و نظری مورد بررسی قرار داد. شیوه زهد عملی در مثنوی مم و زین همان شیوه‌ای است که مم با ترک لذایذ مادی و صرف اوقات خود به ذکر و دعا در زندان و کناره گیری از دنیا و امساک در خوردن به خوانندگان می‌شناساند. زیرا انسان همواره نیازمند برنامه‌ای عملی و هدفمند برای دستیابی به سعادت و کمال است و این برنامه محوری بر زیر بنای فکری و اعتقادی قائم بر تعادل و توازن میان تمامی نیازها و ارزش‌های انسانی استوار است. مقصود از زهد نظری هم در مثنوی مم و زین همان دوری جستن و کناره گرفتن از اندیشه دنیوی است و در حقیقت به نظر نگارنده نقطه قوت خانی در زهد در همین پاکی اندیشه و تفکر معرفت شناسانه اوست. نوع نگاه وی به دنیا و

اندیشه زاهدانه‌اش در نکوهش امور دنیوی یکی از عوامل اصلی زهد احمد خانی می‌باشد و همین اندیشه و معرفت اوست که مورد توجه صوفیان بعد از او واقع شده است.

۱-۱- طرح بیان مسأله

پژوهشگر در این پژوهش در پی آن است تا با مطالعه و بررسی مثنوی مذکور به این سؤالات پاسخ دهد:

- ۱) در افکار و اندیشه خانی زهد چه جایگاهی دارد؟
- ۲) آیا در اثر مم و زین جلوه‌هایی از تعالیم زهدی را می‌توان مشاهده کرد؟
- ۳) آیا خانی شعر زهد را ابرازی برای بیان ارزش‌های دینی و موعظه و نصیحت برگزیده است یا آنکه انگیزه‌های دیگری داشته است که در خلال داستان پنهان مانده است؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

تا آنجا که نگارنده مطلع است، در باب زمینه‌های زهد در اندیشه احمد خانی و انعکاس اندیشه‌های زاهدانه وی در مثنوی مم و زین، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است که نگارنده در این پژوهش ابتدا آبشخورهای زهد در اندیشه‌ی خانی را تبیین و سپس اندیشه‌های زاهدانه آمیزش را در جریان روایت مم و زین بر اساس رفتار و زبان شخصیت‌های اصلی داستانی‌اش مورد بررسی قرار داده است.

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

انگیزه گرایش خانی به زهد و تصوف ریشه در اندیشه‌ی معرفت شناسانه‌ی وی دارد. احمد خانی از جمله شاعرانی است که در این جریان معرفتی نقش مهمی را ایفا می‌کند. از آنجایی که مثنوی مم و زین دربرگیرنده‌ی مباحث مهم معرفتی است، بنابراین شناخت این مباحث برای درک بهتر و بیشتر مم و زین

لازم است و تحقیق و پژوهش در آن ضرورت دارد. مقاله حاضر با هدف بررسی این امر مهم نگاشته شده است. تحقیق و تدوین آفاق فکری و آرای زاهدانه و صوفیانه احمد خانی به صورت نظام مند در دوره جدید تفکر اسلامی و عرصه عرفان شناسی حائز اهمیت است.

۴-۱- روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد متن گرا است که در آن تلاش می شود اندیشه های خانی در باب زهد واکاوی شود و به این منظور میزان تأثیر و تأثر احتمالی شخصیت مم را نسبت به وجوه مشابهت و مغایرت مفاهیم و موضوعات زهدی مورد بررسی قرار دهد.

۲- بحث و بررسی

بنا به ضرورت در آغاز به معنای لغوی و اصطلاحی واژه ی زهد اشاره می-شود و سپس به به تحلیل مضامین زاهدانه و جلوه های آن در مثنوی «مم و زین» پرداخته می شود.

۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی زهد

واژه «زهد» (به ضم اول و سکون دوم) در زبان عربی، مصدر از ریشه «زهد» (به تثلیث ها)، «بیزهد» به معنای رهاکردن و روی گرداندن از چیزی است» (معلوف، ۱۳۸۷: ۳۰۷). زهد در لغت به معنی بی رغبت شدن، ناخواهانی نمودن، روی بازگردانیدن از چیزی به واسطه حقیر شمردن آن و ناخواهانی خلاف رغبت و طیب کسب و قصر امل است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه «زهد») اما معنای اصطلاحی زهد بسیار وسیعتر از آن است که بتوان در این مختصر به آن پرداخت. بزرگان عرفان و صوفیه، هریک از دیدگاهی خاص به موضوع نگریسته و آن را تعریف کرده اند^(۲) این واژه «در اصطلاح اهل حقیقت عبارت است از دشمن داشتن دنیا و اعراض از آن، گفته اند ترک آسایش دنیاست برای رسیدن به

آسایش آخرت. و گفته‌اند زهد آن است که دلت را از آنچه از دستت خارج است پاک و خالی داری» (گوهرین، ۱۳۸۰: ۱۷۴) و به باور عطار «زهد، دست داشتن از دنیا است و باک نداشتن در دست هر که بود» (عطار، ۱۳۸۵: ۴۱۹) و در «رساله قیشیری آمده است: «خدای همه شرها در خانه‌ای نهاد، و قفل بر وی نهاد و کلید او دوستی دنیا کرد و همه خیرها اندر خانه ای نهاد و زهد کلید او کرد» (قیشیری، ۱۳۸۵: ۱۸۰) و « هر که اندر زهد سخن گوید و مردمان را پند دهد و اندر مال ایشان طمع کند، خدای تعالی دوستی آخرت از دل وی بیرون کند» (همان: ۱۷۹) و از طرفی هم زهد داری سه حرف است: زا و ها و دال، زا، ترک زینت است، و ها، ترک هوی و دال ترک دنیا (عطار، ۱۳۷۴: ۴۷۰) با این وجود بنا به تعریفی که از آن یاد شد، می توان گفت که هدف زهد زدودن بدی‌ها و کژی‌ها است از نفس و پرورش درون از طریق مجاهدات خاص است. زهد، در عین آنکه از مراحل تصوف است، به دلیل تأثیری که در تمرکز قوای نفسانی برای نیل به اهداف روحانی دارد، به طور عام در عرصه‌های اخلاقی جایگاه شاخصی یافته است. در حقیقت عرفان اسلامی در سیر تحول خود چندین مرحله را پشت سر گذاشته است از میان دوره های مختلف تاریخ عرفان و تصوف چند دوره شاخص تر می‌باشد که یکی از آن ها دوره زهد است (برتلس، ۱۳۵۶: ۸) در هر صورت مفهوم زهد، با همه افت و خیزهایی که حیات بشر به خود دیده، از جمله مفاهیمی است که توانسته در این میان، ضمن حفظ جوهره اصلی خود که عموماً از آن به دنیا‌گریزی یاد می‌شود، به اقتضای روزگار و نیازهای تازه، رنگ های متنوعی به خود گیرد.

۲-۲- بازتاب اندیشه‌های زاهدانه در مثنوی مم و زین

احمد خانی به تناسب زمینه فکری و مذهبی خود، دیدگاههای معرفتی اش را در کتاب مزبور تبیین کرده است. وی در مثنوی خویش، ضمن پرداختن به موضوعات عاشقانه و ذکر احوال عاشق و ویژگی‌های معشوق به بیان تفکرات و اندیشه های زاهدانه می پردازد. البته گرایش خانی به زهد، ریشه در اندیشه های

معرفت شناسانه وی دارد، بررسی دقیق زمینه های زهد او در رفع ابهام موجود درباره شخصیت وی مؤثر خواهد بود. البته این تنها علت گرایش احمد خانی به زهد نبوده، بلکه عوامل متعدد دیگری که اغلب آن از تعالیم اسلامی نشأت می گیرد در طریقت زاهدانه وی دخیل است که در این مجال به بررسی دقیق و موشکافانه آنها خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱- آرامش خاطر

انسان‌ها همواره به دنبال راحت طلبی و آسودگی خاطر هستند که دنیای آرمانی و آرزوی دستیابی به آرامش جاوید از دیرباز ذهن بشر را به خود متعلق دانسته است. هرکسی برای کسب آن، به نحوی تلاش می کند؛ گاهی به وسیله مال و تجملات، گاهی به وسیله مقام و گاهی هم به وسیله ظلم کردن به دیگران به دنبال آرامش و آسایش است. اما احمد خانی یاد خدا را تنها عامل آرامش قلوب بیان کرده است:

مه‌حبوبی قولوبی (من له القلب) قه‌لبان تو دکی ب بال خوڤه جه‌لب
(م، ۲۰۰۸: ۲۵)

محبوب قلوب (من له القلب) قلبها تو کنی به خویشنن جلب
(م، ۲۰۱۲: ۱۵)

همانطور که قرآن کریم یاد خدا را تنها عامل آرامش قلوب بیان کرده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد (رعد/۲۸).

از آنجایی که افراد زاهد، تعلق خاطر به امور دنیوی ندارند، نسبت به از دست دادن دنیا ناراحت نمی‌شوند و نسبت به دست آوردن آن هم شاد و خوشحال نمی‌شوند، بنابراین، در روایت مم و زین شاهد آن هستیم که "مم" با توجه به آرامش خاطری که دارد، هیچ‌گاه رفتاری ناشایست، عجولانه و سطحی نسبت به قضیه ندارد. این آسودگی خاطر اوست که موجب می‌شود رفتارش کاملاً حساب

شده و مورد رضای خداوند باشد که در واقع این رشد رفتاری "مم" حاصل از آسودگی خاطری است که از زهد و ساده زیستی به دست آمده است. با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان گفت که زهد از منظر خانی نشان از آسودگی و آرامش خاطر است که بر این اساس جایگاه ایمنی و سلامت است که در نهایت باعث وقوف بر اسرار الهی او می‌شود و به ذات ذرات جاودانه شدند:

جان چوو و بجانی موصته‌صیل بوو

ئهو روح بروحی موصمه‌حیل بوو

گاڤا وهکو جان ژ ته‌ن رهوان بوو

جانان ئهوی دیت و جان ب جان بوو

وان ری کو برن ب جانبی ذات

باقی گه‌پریان ب ذاتی زه‌پرآت

(م، ۲۰۰۸: ۲۰۵-۲۰۶)

جان رفت و به جان متصل شد	آن روح به روح مضمحل شد
جانی که ز جسم ما روان گشت	جانان بدید و جان بجان گشت
بردند چو ره به جانب ذات	جاودانه شدند به ذات ذرات

(م، ۲۰۱۲: ۲۵۶-۲۵۸)

با توجه به روایت مم و زین، در پی آن طلب آرامش جاودانه، "مم" می‌داند تنها معشوق گم شده‌ی هر عاشق پاک نهادی تنها خداست و برای رسیدن به او در این دیار خاکی داشتن یک یار صمیمی همچو "زین" که گوشه‌ای از صفای سرشت او را داشته باشد آلامی بر دردهای او خواهد بود. داشتن یک همسفر در راه پرمخاطره‌ی عشق نعمتی است از جانب خدا که بر عاشق نازل می‌شود. همسفری که در این راه در مقابل خطرهای چون یک پیر و مراد، راهنما و امیدی باشد که در این سفر معنوی موانع و حجاب‌ها دست و پنجه نرم کرده و صفایی از سرشت خدایی در نهاد او باشد تا بتواند عاشق دل‌باخته‌ای چون زین را به انتهای راه هادی باشد. سرانجام "مم" با تجربه‌ی عشق زمینی در راه عشق معنوی در عالم بالا به پرواز درآمد و با جستجوی آشیانه‌ی آرامش جاودانه شد.

شهباز ژ قهیدئ مه رکه زا فهرش

پهرواز کر و گه هیشته ذیل عه رش

(م، ۲۰۰۸: ۲۲۱)

شهباز ز قید مرکز فرش پرواز بکرد و رفت تا عرش

(م، ۲۰۱۲: ۲۸۱)

با این وجود می توان زهد را مایه سلامت نفس و روشن شدن راه سعادت به واسطه کنار رفتن پرده های تعلق به غیر و چشیدن حلاوت ایمان، به حساب آورد.

۲-۲-۲- بی اعتباری دنیا

مفهوم زهد ضمن جوهره اصلی که از آن به دنیاگریزی یاد می شود، از جمله مفاهیمی است که در مثنوی مم و زین از آن به اقتضای روزگار و نیازهای تازه تر، رنگ متنوعی به خود گرفته است. آغاز راه عشق از هنگامی است که سالک از تعلقات دنیوی بریده شود و پایان آن به فنا که مرحله کمال انسانیت است می رسد. در حقیقت عشق مجازی چون پلی "مم" را چنان به عشق حقیقی و عرفانی می رساند که تمام تعینات مادی را جلوه ای از حق می داند، به گونه ای که وی به هر جا می نگرست، روی عشق را می دید تا عاقبت، عشق حقیقی در وی به کمال می رسد و به طور کامل دل از تعلقات مادی می کند.

ئالوده نه بون ب خاک و خاشاک

ئهف بو ئه ئه را مه حه ببه تا پاک

لهب ته شنه و بهر ژ ههف نه خواری

حه سرهت زده ژ چونه پیشی باری

خوهش عهیش کرن ب عیشقی وه لاله

خوهش پیکفه مرن نه باره که لاله

(م، ۲۰۰۸: ۲۳۲)

آلوده نشد به خاک و خاشاک **هر کس که گرفت محبت پاک**
لب تشنه و ناخورده ز هم بر **رفتند چنین به پیش داور**
عیش خوشی بود به عشق والله **مرگ خوشی بود تبارک الله**
(م، ۲۰۱۲: ۲۹۵)

از اینرو، خانی بر این اعتقاد بوده است که انسان‌ها باید در راه عشق و اشراق قدم بردارند. آن‌ها باید از رمز و رازهای عشق، مهر و محبت و جذب‌هستی بهره‌مند شوند. او از این طریق می‌خواهد همه را به عشق عرفانی دعوت کند تا زیبایی‌های جهان را تجربه کنند.

در اثر خانی، "مم" و "زین" از شخصیت‌های اصلی مدنظر مؤلف هستند که در راه زندگی از طریق عشق کم‌کم از خود به خدا رسیده‌اند. در اغلب اشعار خانی که از عشق سخن به میان می‌آید بیش‌تر مقصود عشق ازلی یا الهی می‌باشد، زیرا بر حسب جریان روایت مم و زین، مم از این راه به خدا رسیده و حاضر است که در عشق الهی جان فدا کند. این در حالی است که چشمه‌های حکمت در قلب "مم" و "زین" جاری می‌شود و با بی‌میلی به هوس‌ها و دنیاطلبی، به حقایق جهان بینا می‌شود و به دارالسلام در می‌آید:

وان ته‌رک کرن سه‌راین فانی **ئه و چوونه جیهانی جاویدانی**

(م، ۲۰۰۸: ۲۰۵)

رفتند از این سرای فانی **تا سوی جهان جاودانی**

(م، ۲۰۱۲: ۲۵۶)

از آنجایی که زهد مجموعه‌ای از رفتارهای ناظر تهذیب نفس است و عمدتاً بر ایستادگی در برابر هوای نفس تاکید دارد، در زبان نظم به صورت سروده‌هایی بیان می‌شود که درونمایه بیشتر آنها رهایی از وابستگی و دلبستگی‌های دنیوی است. که احمد خانی اشاراتی به بی‌اعتباری عالم فانی دارد و می‌گوید به آراستگی راستای توجیه اندیشه بی‌اعتنایی به دنیا، مورد استفاده قرار می‌دهد. همانگونه که در روایت "مم و زین" بی‌اعتنایی به دنیا کمالی است که مم به آن آراسته شده است. وی در این راه عارفی است که از دنیا روی برتافته است.

دونیا لی من گهر چ بوویه زیندان

ٹیرو هه تنی ئەزم موسلمان

دونیا کو بهشتا کافرانه

مه‌ئوایی به‌لایی موئمانه

(م، ۲۰۰۸: ۱۸۲)

امروز به تنها منم موسلمان

دنیا شده بهر من چو زندان

مأوای بلای مؤمان است...

دنیا چو بهشت کافران است

(م، ۲۰۱۲: ۲۲۰)

۲-۲-۳- خداشناسی

شرح عشق مم به خود شناسی و لقای او به پرودگار، مهمترین مضامین زاهدانه احمد خانی به حساب می‌آید که راهی به سوی آرامش درون است. از نگاه خانی حقیقت آشکار است و شهود آن محتاج صفای باطن است. منظومه مم و زین که دربردارنده داستان عاشقانه است با جشن نوروز آغاز می‌شود و در نهایت به تکامل شخصیت و خودشناسی و خداشناسی هر دو شخصیت «مم» و «زین» منجر می‌شود. گویی «مم» در سیر تکاملی خود از عشق مجازی به عشق معنوی و روحانی نائل می‌آید و از ظلمات عیش و التذاذ این جهانی گذر می‌کند و به آب حیات معرفت الهی دست می‌یابد. به طوری که زین که معشوقه مم بود، "مم" را به سوی شناخت خویشتن خود و خداوندش رهنمون می‌کند. احمد خانی رهایی از این جهان فانی و رسیدن به آوازه و سعادت ابدی را فقط روی آوردن به حضرت احدیت می‌داند که یکی از اهداف اصلی احمد خانی هدایت و سوق دادن قهرمانان داستانش به سیر تکامل انسانی و خداشناسی و در نهایت وصال حق تعالی است که در این راستا به جلوه‌هایی از تعالیم زهدی در خلال داستان پرداخته می‌شود:

۲-۲-۳-۱- ریاضت

از دیگر ارکان زهد، ریاضت یا تزکیه جان و ریاضت جسم است؛ که خانی آن را با منع تن پروری و توصیه بر پرورش روح بیان می‌کند و معتقد است که

مردان حقیقت، راه خواب و غفلت را بر خویش می‌بندند تا از هر فرصتی برای قربتی بلندتر، استفاده کنند. در واقع «مم» در آن سیاهچال به تکمیل روحی خود می‌پردازد و با مناجات و چله نشینی می‌تواند به درک عمیقی از عشق حقیقی نایل آید:

پوونشستی د ویقه عابیدانه زیندان ل وی بوویه چله‌خانه
(م، ۲۰۰۸: ۱۸۱)

بنشست در آنجا عابدانه زندان او شد چو چله‌خانه
(م، ۲۰۱۲: ۲۱۸)

از آنجایی که به «فنا از خود برستن است و بقا به حق پیوستن است» (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۷۶) از اینرو، به باور خانی اهل معرفت، برای دست یازیدن به چنین مرتبتی خود را با انواع ریاضت‌ها و مجاهدت‌ها می‌آزمایند و نفس سرکش خویش را سرکوب می‌کنند و از هر آنچه که در این گنبد دوار رنگ تعلق می‌پذیرد می‌گریزند تا بتوانند وصال الهی را درک کنند و به بقای بعد از فنا دست یابند:

هندی ژخوه وی ههبت وجودهک
نین ژ خودی ئهوی نمودهک
فانی نةبتن فه‌نایی مو طلق

نابینتن ئه و بقایی بیلحق
(م، ۲۰۰۸: ۲۵۰)

تا وقتی که هست خود وجودی نبود ز خدای او نمودی
تا فانی نشد فنای مطلق هرگز نبیند بقای بالحق
(م، ۲۰۱۲: ۳۱۸)

ریاضت در اصطلاح خانی به تمرین و آماده ساختن روح برای اشراق نور معرفت اطلاق می‌گردد. بر اثر ریاضت است که مم عارف همه صفات انسانی را از خود می‌سترد و خویشتن را از تمام ویژگی‌های بشری مجرد می‌سازد. تا اینکه خداوند صفات الهی را به او عطا می‌فرماید و به او وجودی حقانی می‌بخشد. تا

آن اندازه که وجود «مم» تغییراتی بنیادی بیابد و طی آن در این مدت زمان به خود بیاید و در نهایت به بلوغ و پختگی برسد.

ئه و جیه ل وی بوویه چاهی نه خشهب

ئه و مه گه پیا هیلالی یه کشهب

ثایینه یی دل وه ب موصه یقه ل

صورهت وه ب مه عنیتی موبه ددهل

(م، ۲۰۰۸: ۱۸۲ و ۱۸۴)

چاه او بشد چو چاه نخشب آن ماه بشد هلال یک شب

آینه روح شد مجلا نفس و دل و جان به هم مصفا

(م، ۲۰۱۲: ۲۱۸ و ۲۲۳)

احمد خانی همچون دیگر عرفا بر این است که آلودگی جسم انسان به مادیات، روح او را از رسیدن به روحانیت و نورانیت باز میدارد. و بالعکس؛ هر قدر تن او، از آلودگی های عالم مادی پاک بماند، جان استعداد بیشتری برای دریافت انوار الهی خواهد داشت. یکی از عوامل موثر در این تزکیه، غم خواری است، همچنانکه در دیگر گوشه های ادبیات و فرهنگ گذشته شاهد آن هستیم که بزرگان ما؛ گریستن را صفای دل می دانند:

چل روژی نه خور نه خواب زینی سهر رانه دبوو ژ سهر گرینی

(م، ۲۰۰۸: ۱۳۰)

چهل روز چنین حال زین بود با ناله و اشک او قرین بود

(م، ۲۰۱۲: ۱۴۲)

البته دردمندی «مم» و «زین» همراه با گریه، بیقراری و زاری تا آستانه فنا با آنهاست و به منزله هدایتگری است که به اصل مطلق اتصال دارد که در واقع با این درد، چنان که عطار می گوید، انسان می تواند تن را به جان و جان را به جانِ جان تبدیل کند:

می دود تا تن کند با جان بدل در رساند تن به جان پیش از اجل

(مصیبت نامه، ۱۳۶۴ / ۵۹)

در مثنوی مم و زین تلطیف درون و آماده ساختن مم برای پذیرش تجلیات الهی، که لطافت سر و طهارت ضمیر زمینه تجلی نور حق در درون انسان است از ریاضت‌های عارفانه مم محسوب می‌باشد که مم همچو عارف ریاضت کش در پایان تلاش جهادی، مزین به زهد هدفمند و نفس مطمئنه و فکر لطیف و عشق عقیف (عشق پاک) است.

۲-۲-۳-۲- عزلت‌گزینی

برای محقق شدن ترک علایق دنیایی طالبان ملزم به انزوا و گوشه نشینی بودند. با اعتکاف در خانقاه‌ها و اماکن مذهبی و یا در جاهای دور از دسترس مردم عادی سعی می‌کردند، در خلوت و انزوای خود دور از هیاهوی زندگی مادی به تزکیه نفس و تربیت روح و روان خود بپردازند. این تفکر در مثنوی مم و زین به چشم می‌خورد. خانی احتراز از خلق و غوغا و هیاهو، و به تنهایی پناه بردن را، از مهمات زهدورزی می‌شمارد و برای شهادت گفتار خود، مم را در مثال می‌آورد و مم در این گوشه نشینی که از همه ی دنیا و درون خود فارغ می‌شود؛

هم خه‌لوه‌تیا مه‌می گرفتار بو په‌رده گوشایی یار و نه‌غیار

(م، ۲۰۰۸: ۲۱۶)

در خلوت خود مم گرفتار دوری بگزید ز یار و اغیار

(م، ۲۰۰۸: ۲۷۶)

سرانجام به این اعتبار که مم، عزلت‌گزیده بود و این سبب سروری وی بر دیگر کسان شد:

صوفی کو‌گه‌هیشته کونجی خه‌لوه‌ت شیخینی‌گه‌ها مه‌قامی وه‌حده‌ت

(م، ۲۰۰۸: ۱۸۲)

صوفی چو رسید به کنج خلوت چون شیخ بگرفت مقام وحدت

(م، ۲۰۱۲: ۲۱۹)

و از خود چون بیرون می شود به بارگاه بقا راه پیدا می کند که توانست طی گذر از مراحل گوناگون با مجاهده و کوشش به مطلوب خود برسد.

تهزکیه یی نه فسی بوو موکه ممل

تهصفیه یی قلبی بوو موحه صصل

(م، ۲۰۰۸: ۱۸۴)

ترکیه نفس شد ممل تصفیه قلب شد مصل

(م، ۲۰۱۲: ۲۲۲)

با تأمل در ابیات بالا نکته در خور توجه آن است که گفته شود که زهد نزد احمد خانی تنها ترک دنیا به منظور رسیدن به لذات اخروی یا رهایی از رنج های آن نیست و باعث فرار از حصار دنیا و گرایش به سوی آخرت نمی شود بلکه در اعراض از مشتبهات طبیعی، به حقیقت عقلانی و روحانی وجود خویش تفسیر می شود و در مرتبه بالاتر به مشاهده جمال جمیل حق و غفلت از غیر او نائل می آید. زیرا عرفان زاهدانه بر پایه ابتدایی زهد و عبادت و ناچیز شمردن دنیا و مافیها و ترک جهان و هرچه در آن است استوار است و خوف از خدا و بیم از مکافات گناه، رنگی عابدانه به آن بخشیده در حالی که عرفان عاشقانه؛ این عناصر یعنی خوف و تعبد و ترک دنیا و ... به عشق و اخلاص و مهرورزی به تمام جهان که آینه جمال دوست است تبدیل شده است.

۲-۲-۳- عزت نفس

عزت نفس حاصل زهد نقش مهمی در رشد معنوی انسان می تواند داشته باشد. در روایت "مم و زین" این عزت نفس موجب، استواری استحکام و شجاعتی شد که "مم" را در سخت ترین شرایط زندگی و در برابر هجمه های مخالفان او از تزلزل جسمی و روحی نجات می دهد و مانند کوه استوار می کند. در حقیقت، عزت نفس موجب رشد اقتدار و صلابت "مم" می گردد، به طوری که گوهر ناب انسانیت اش را به چیزهای مادی نمی فروشد و با صلابت درخواست سستی و زین را در زندان مبنی بر موافقت ازدواج او با زین از جانب زین الدین را رد نموده است:

ئهز ناچمه چهضره تا چو میران ئهز نابتمه بهندهیی ئهسیران
ئهف میر و وهزیریا مهجازی ئهف شوعبده و خیالبازی
(م، ۲۰۰۸: ۲۱۹)

هرگز نروم به پیش میری بنده نشوم به هیچ اسیری
این میر و وزیر مجازی این شعبده و خیال بازی..
(م، ۲۰۱۲: ۲۸۰)

و در واقع زمینه رشد اندیشه پاک در دل مم فراهم می‌کند و تصمیم‌گیری‌ها
و جهت‌گیری‌های او بر اساس حکمت و بصیرت وی انجام می‌گیرد. زیرا
حکمت و بصیرت در پرتو زهد به ثمر می‌نشیند.

۲-۲-۴- مرگ ارادی

مرگ ارادی یا مرگ اختیاری از اصطلاح‌های رایج میان صوفیان عارفان
است که معمولاً آن را در مقابل مرگ اضطراری یا طبیعی قرار می‌دهند. مرگ
اختیاری «قمع هوای نفس و اعراض از لذات که سبب معرفت می‌شود و
مخصوص نشأت انسانیت است» (سجادی، ۱۳۷۳: ۷۴۷). ناپایداری زندگی این
جهانی و لزوم آماده شدن برای مرگ و رستخیز مضمون اوج اندیشه خانی در
زهد است. خانی از مرگ به عنوان مایه حیات اهل دین یاد می‌کند و معتقد است
که مرگ نه تنها بد نیست، بلکه انسان باید با آغوش باز آن را بپذیرد. مسئله مرگ
در نگاه خانی چنان دلنشین و دلپذیر است که آن را بر زندگی دنیوی ترجیح می‌-
دهد و نگاه مثبت و پذیرنده خود را به این مقوله اینگونه توجیه و تفسیر می‌-
کند: «زین» و «مم» هر دوی آنها در پی وصال جسمانی نیستند بلکه در پی وصالی
هستند در عالم معنا که با فنای عشق رخ می‌دهد. در واقع عشقی ناکام در پایان
آن، مرگ دلخواسته برابر آنها به همراه دارد و از آرمانگری بودن آنها نشأت می‌-
گیرد؛ زیرا کمال مطلوب در این دنیا بدست نمی‌آید و عاشق و معشوق در پی
محقق شدن بهترین نوع شکل رابطه خویشند. از اینرو، آنان طالب مرگند و می‌-
خواهند در جهان واقعی دیگری، زندگی که در این دنیا از آنها دریغ شده را داشته
باشند:

یا قهنج ئه وه هر ب فی جه مالی

نازورده نه کم قه زولف و خالی

ته سلیم بکم ئه مانه تی حه ق

ته فویضی ته بم ب خه مل و ره ونه ق

ئه ف رهنگه ئه دا کرن حه قایق

بزداندی ژ عالهمی عه لایق

(م، ۲۰۰۸: ۲۳۰-۲۳۱)

بهتر که با این حسن و جمالم رنجی ندهم به زلف و خالم

تسلیم کنم امانت حق عاری بشوم ززیب و رونق

این گونه نمود ادا حقائق از گیتی دون برید علائق

(م، ۲۰۱۲: ۲۹۴)

پس مرگ اردای، طریق وصول به حیات حقیقی است و وقتی انسان از هوای نفس مرد، قلب او متوجه عالم قدس، نور و حیات ذاتی خود می شود که پذیرای هیچ گونه مرگی نیست و از لذت ها و آلام نفسانی فارغ می گردد. آنگاه که سالک به این مقام می رسد در یک زایش روحانی، بار دیگر متولد می شود که نزد عرفا به «تولد ثانی» یا «ولادت معنوی» معروف است و به واسطه این ولادت، عارف به ملکوت الهی راه می یابد و تجلی گاه معارف و حقایق الهی می شود. در هر صورت، از نگاه خانی، هدف عارف رسیدن به استغراق و فنا است. به بیانی ساده تر؛ خانی بقای حقیقی را در فانی شدن می داند و عقیده دارد که چنین انسانی ارجمند است و به آرامش دو گیتی دست می یابد:

فانی نه بتن فه نای موطله ق ناینتن ئه و به قایق بیلحه ق

(م، ۲۰۰۸: ۲۵۰)

تا فانی نشد فنای مطلق هرگز نبیند بقای بالحق

(م، ۲۰۱۲: ۳۱۸)

و این امر با عبور از مرحله زهد و جهاد و تلاش است:

لازم ئه وه په روه رش ببینت ته ربییه تی دهر خورش هلینت

نه‌فره‌نگه‌هه دهست ب دهست ب ریثه نهو مه‌رتبه به مه‌رتبه ب ویثه
(م، ۲۰۰۸: ۲۴۹)

باید که پیروند آن را تربیتی در خور جنان را
اینگونه بباید آن را پرورد صد رنج ببیند و هم‌آورد
(م، ۲۰۰۱۲: ۳۱۴)

نکته ای که قابل تأمل است آن است که زهد از نظر خانی مقدمه ای است برای ورود به جهان غیب یا به برداشت دیگری از رفتار مم، روشی است که درون عارف را برای ورود به «راز» مهیا می‌سازد. رازی که در طی آن، روح مم پای را از حوزه محدود دنیای خاکی فراتر می‌گذارد که بدین طریق مم عاشق به تمام ظرفیت‌های درونی خویش واقف می‌شود که در یکی شدن تن و جان نمایان است و سبب دگرگونی در هویت انسانی او می‌شود و سپس وجودی معنوی و روحانی می‌یابد که سرانجام در جذبۀ و شوق تجربیات عرفانی در جهان نامکشوف و نامتناهی ملکوت به تجربه مقدس «شهود» نائل می‌شود:

مه‌شهوود بوین ل قه‌لجی نه‌نوار مه‌کشووف بوین ل به‌ر وی نه‌سرار
(م، ۲۰۰۸: ۱۸۴)

مشهود بر او هزار انوار مکشوف بر او هر آنچه اسرار
(م، ۲۰۱۲: ۲۲۴)

به باور خانی مرگ، مایه آرامش و عامل نجات انسان از سرای فساد و قفس دنیا است. احمدخانی با توجه جریان روایت مم و زین، در توجیحات خود تماماً به مفاهیم و استدلال‌های عرفانی و زاهدانه نظر دارد و این اوج عرفان و زهد شاعر است که باعث می‌شود مم و زین مرگ را آرزو کنند تا به غایت و نهایت و نتیجه زهد و عرفان خود برسند. تا از این رهگذر بر مخاطب تأثیر بگذارد و مفهوم زاهدانه و عرفانی مورد نظر خود را مطرح کند؛ پس از تحول در آگاهی «مم» و رسیدن به سر منشأ جاودانگی، آرزو می‌کند که زود این جهان را برای همیشه ترک گوید و به نزد خدای مهربان باز گردد.

دهستی خواه ژ قهیدئ گل کشاندن

چه نگی د دلی خواه راوه شانندن

شههباز ژ قهیدئ مه رکه زا فرهش

پهرواز کر و گه هیشته ذیل عه رش

(م، ۲۰۰۸: ۲۲۱)

وقتی که بکرد دعای آخر بگشود در سرای آخر

شهباز ز قید مرکز فرهش پرواز بکرد و رفت تا عرش

(م، ۲۰۱۲: ۲۸۱)

البته احمد خانی علاوه بر اینکه از زبان شخصیت‌های داستانی‌اش، از مرگ ارادی سخن می‌گوید و مرگ ارادی مفهومی کاملاً عرفانی به دنبال دارد، زیرا وی مردن از چیزی را مطرح می‌کند که این مفهوم به معنای چشم پوشی از متاع و لذت‌های دنیوی و رهانیدن خود از آن و عدم تعلق نسبت به آن است و این مطلب یادآور حدیث «موتوا قبل ان تموتوا» است و جنبه آموزشی، روانشناسانه و اخلاقی دارد. از اینرو با تأمل به آنچه در این باره خاطر نشان شد؛ می‌توان چنین استنباط کرد که با توجه به دو ساحتی بودن وجود آدمی، انسان از بدو ولادت با هویت ملکی خویش ملازم است و از جهتی دیگر با در نظر گرفتن هویت روحانی خویش؛ برای وصول به کمال مطلق در تلاش و کوشش است. با نگاه عمیق به این دو بعد در شخصیت مم، زهد مطلوب، با تحت کنترل درآوردن و پرورش قوای انسانی به وسیله عقلانیت و ریاضت به ظهور می‌رسد و مم را به کمال لایق روحانی خویش نائل می‌کند، بدون اینکه با رهبانیت و سرکوب قوا، از طبیعت خویش محروم کند. این تحول باطنی و انقلاب درونی که برای نیل به هویت اصلی صورت می‌گیرد، مرگ ارادی نام دارد که موجب تولد مم در جهان معنوی و عرصه ملکوتی می‌گردد، این در حالی است که تمام این تغییرات در عالم دنیا صورت می‌گیرد.

۲-۲-۵- مبارزه با نفس

مبارزه با هواهای نفسانی و تعدیل شهوات در طریق الی الله، در اثر مجاهدت و مراقبت نفس، امری تدریجی است که به صورت دائمی و مستمر حاصل می‌شود. احمد خانی در مثنوی خود که به نوعی به شرح سفر دشوار مم در شاهراه وصول به حق، اذعان داشته است، بر این باور است تنها کسانی که وجودشان را از آرایش‌های نفسانی و رذایل اخلاقی صیقل یافته و آینه حق نما شده‌اند رخصت حضور به بارگاه حق می‌یابند و درمی‌یابند که حقیقت مطلقه با ایشان یکی است و درمیانشان انفصالی نیست و در این راه عنایت و دستگیری حضرت حق و تبعیت از پیشوا و رهبری کاردان و راه شناس، جد و جهد طالبان و جویندگان مقصود را ثمر می‌بخشد. حفظ عفت و پاکدامنی مهمترین نکته‌ای است که در سرتاسر داستان مم و زین به آن توجه شده است. احمد خانی تنها به عشق حلال که از راه مشروع و با رعایت آداب و رسوم جامعه به وصال منتهی می‌شود، اعتقاد دارد. سراسر داستان بر اساس همین وفاداری و عشق پاک بنا شده است. مم و زین مقام عشق را خوب می‌شناسند و هرگز آن را با هوای نفس نمی‌آمیزند و در راه معشوق بلا را به جان نمی‌خرند. عشق در نظر خانی مقامی بس والا و ارجمند دارد. او معتقد است که عشق حقیقی با غرور و شهوت پرستی و هوس بیگانه است. بنابراین، عشق، حذف نفس، و از خود فارغ شدن است که با از میان بردن خودخواهی انسان، از مم عاشق موجودی دیگری ساخته که مم را در مسیری قرار دهد که از عشق مجازی او را به عشق و حقیقت کمال برساند یا به بیانی ساده تر؛ از مرحله حیوانی به مرحله روحانی می‌رساند:

حیوانییه تا مه بوویه زایل روحانییه تا مه بوویه کامیل

(م، ۲۰۰۸: ۱۵۵)

حیوانیت ما گشته زائل روحانیت ما گشته کامل

(م، ۲۰۱۲: ۲۶۵)

احمد خانی به دلیل شخصیت والا و آراسته به سجایای اخلاقی خود، صحنه‌های عاشقانه را به طرق مختلف وصف می‌کند، اما هیچ‌گاه پرده‌داری نمی‌کند و

سخن را به بی‌شرمی نمی‌آلاید، با حفظ عفت کلام سخن می‌راند؛ آنگاه که مم موقعی که در باغ به میقات زین می‌رود، با وجود اینکه از هر لحاظ در امن و امان و دور از چشم اغیار بوده‌اند، نهایت عفت و پاکدامنی را رعایت می‌کنند. تنها به مغازلاتی مختصر با او قناعت می‌کند و بدین‌گونه دامن خود را از هر رجسی پاک نگه می‌دارد تا همچنان قهرمانی والا و آرمانی برای توده‌ی مردم باقی بماند.

**هرچند که ره‌ف برون ته‌که‌لوف لاکین نه‌فشان‌دوبون ته‌صه‌روف
نه‌و گهرچی هه‌ببون ژ هه‌ف بهی‌فی نه‌مما نه‌دچون قهوی نشی‌فی**
(م، ۲۰۰۸: ۱۶۴)

**هر چند نبود هیچ تکلف کج راه نیافت در تصرف
آنها که ز عشق پناه دارند مرزهای ادب نگاه دارند**
(م، ۲۰۱۲: ۱۸۸)

به باور خانی مهار نفس سرکش و کشتن غرائز آن، بزرگ‌ترین مجاهدتی است که "مم" باید به عمل آورد که اگر این مجاهده با اصول و شرایط لازم انجام پذیرد، سبب دگرگونی در هویت انسانی می‌شود و او وجودی معنوی و روحانی می‌یابد. زیرا با این برداشت می‌توان گفت که اساس تربیت اخلاقی و پرورش روحی بر مبارزه با نفس و مهار غریزه های نفسانی نهاده شده است و برای رسیدن به سعادت و کمال انسانی، راهی جز این نیست. از همین رو، در روایت‌های اسلامی از مبارزه با نفس با عنوان «جهاد اکبر» یاد شده و آثار عرفا از آموزه های گوناگون درباره شناخت نفس و مخالفت با آن سرشار است.

۲-۲-۶- نکوهش دنیا و گریز از آن

یکی از شالوده‌های فکری احمد خانی که از اشعارش به خوبی هویداست نکوهش و تحقیر دنیاست. به اعتقاد متصوفه «شرط رونده آن است که حب دنیا از دل خود بگرداند که ؛ حب الدنيا رأس کل خطیئته» (رزمجو، ۱۳۶۸: ۲۴۹) سالکان که طالبان وصول به حضرت حق بودند، مقید به اجرای این اصل تربیتی

بودند و آن ترک تمام علایق و نعمت‌های مادی و دنیای بود (صفا، ۱۳۷۰: ۵۱).
خانی در اثر پر مغز خود پیوسته بر آن است تا به مدد اندیشه‌ها و افکار زاهدانه
خود، اندکی از ماهیت سراب وار دنیا را آشکار سازد و مخاطبان خود را به
رستگاری رهنمون شود. فریادهایی که خانی در ترک دنیا و یکسو نهادن تعلقات
و دلبستگی به زخارف دنیایی بر می‌آورد، پژواک این باور است که آدمی محکوم
به فناست و چون مرگ پایانی بر هستی جسمانی انسان‌هاست، پس چه بهتر
مجاله برای زیستن در دنیا دارند، کوله باری از توشه‌های اخروی را ببرند و
نقد عمر را یکسره در کسب لهُو و لعب برباد ندهند.

له‌ورا کو جیهان وهکی عه‌رووسه

وئ حوکم د دهستی شیرئ رووسه

(م، ۲۰۰۸: ۴۳)

زیراکه جهان چو نوعروس است انکس بردش که چون دبوس است

(م، ۲۰۱۲: ۲۹)

با توجه به روایت "مم و زین"، مم دل شوریده‌اش را به جهان نمی‌بندد و
در پیوستن به دوست باکی از بریدن تمامت خلق جهان ندارد. دل به جهان مادی
ندارد و آن را حیات مجازی می‌داند و آن را بی بقا می‌یابد و خود را وابسته به
جهان مادی نمی‌داند و از وابستگی خویش اعلان به وارستگی می‌کند:

هیئتی دکن ئەم ئەوی ژ مه‌عبود

بینن مه ب غه‌یرئ وئ چو مه‌قصود

(م، ۲۰۰۸: ۲۱۹)

تنها او بود مرا معبود جز او نبود مرا مقصود

(م، ۲۰۱۲: ۲۸۰)

در هر صورت افکار زهدگرایانه احمدخانی در اشارات مکرر به تحذیر
انسان‌ها از آلودگی به تعلقات دنیا و توجه به زاد راه سفر آخرت و به طور کلی
« ترک و نکوهش دنیا» در اثر مثنوی مم و زین به طور گسترده‌ای آمده است.
خانی در جای جای اثر خود، چه آنجا که از خود به صراحت سخن می‌گوید و

چه آن جا که داستان خویش را در حدیث دیگران می‌جوید، زهد و پارسایی را در مقامی والا می‌نهد. البته ناگفته نماند که اندیشه‌های زاهدانه و گاه عارفانه احمد خانی ریشه در زهد اسلامی داشته است.

البته شایان توجه است که صوفیان به دو دسته واصلان و سالکان تقسیم می‌شوند و سالکان نیز به دو دسته طالبان وصول و طالبان جنت تقسیم می‌گردند که گروه اول موسوم به عارف و گروه دوم موسوم به صوفی و زاهد بودند. زاهد، دنیا را به خاطر آخرت ترک می‌کند و به امید لذت‌های مشابه در آخرت از لذت‌های این دنیا چشم می‌پوشد؛ در حالی که برای عارف نه دنیا مطرح است نه آخرت، بلکه او در همین دنیا به دنبال بهشت است؛ بهشت او دیدار حق است، عارف از دنیا چشم نمی‌پوشد؛ بلکه به آن دل نمی‌بندد و بهشت را در آخرت نمی‌جوید، بلکه هدر حال می‌یابد. به تعبیر زیبای حافظ:

من که امروزم بهشت نقد حاصل می‌شود

و عده فردای زاهد را چرا باور کنم

(حافظ، ۱۳۷۱: ۴۷۰)

به باور خانی زاهد، باید دست از یکی از جهان بردارد و دنیا را به خاطر آخرت ترک کند و به امید لذت‌های مشابه در آخرت از لذت‌های این دنیا چشم بپوشد، از این رو چنین ابراز بیان می‌کند:

ئه‌ف هه‌ر دوو جیهان ب هه‌ف هه‌وینه

ئه‌ف ضه‌ره ل ضه‌رئ هه‌ف هه‌وینه

تا ده‌ست ژ ئیکئ بهر ته نادئ

نابینئ چو له‌ذته‌ئ ژ یا دی

(م، ۲۰۰۸: ۲۳۸)

بر ضد همنند و کینه جویند

صرفه نبری از این دو بینی

(م، ۲۰۱۲: ۳۰۲)

آری دو جهان بهم هویند

هر دو را اگر تو همنشینئ

بنابراین احمد خانی سیر و سلوک معنوی مم را به خوبی از مقام زهد به معرفت عابدانه و از معرفت عابدانه به عرفان عاشقانه‌ای به وصف کشاند و معنای والای زهد^۱ با بیانی شیوا و دلپذیر از رفتار و زبان شخصیت مم در داستانش بیان کرده است که به صورت نمودار زیر هم در معرض دید خواننده قرار می‌گیرد:

جلوه‌هایی از تعالیم زهدی از چشم انداز شخصیت مم	
آرامش خاطر	"مم" با تجربه عشق زمینی در راه عشق معنوی در عالم بالا به پرواز درآمد و با جستجوی آشیانه‌ی آرامش، جاودانه شد.
بی‌اعتنایی به دنیا	بی‌اعتنایی به دنیا کمالی است که "مم" به آن آراسته شده است. وی در این راه عارفی است که از دنیا روی برتافته است.
خداشناسی	ریاضت بر اثر ریاضت مم عارف همه صفات انسانی را از خود می‌سترد و خویشتن را از تمام ویژگی‌های بشری مجرد می‌سازد.
	عزت مم در این گوشه نشینی از همه‌ی دنیا و درون خود فارغ می‌شود.
مرگ ارادی	عزت نفس موجب رشد اقتدار و صلابت "مم" می‌گردد، به طوری که گوهر ناب انسانیت‌اش را به چیزهای مادی نمی‌فروشد.
	مبارزه با هوای نفس
	عشق حقیقی با غرور و شهوت پرستی و هوس بیگانه است که در مم، عشق حذف نفس، و از خود فارغ شدن

<p>است که با از میان بردن خودخواهی ، از مم عاشق، موجودی دیگری ساخته که مم را در مسیری قرار دهد که از عشق مجازی او را به عشق و حقیقت کمال برساند یا به بیانی ساده تر؛ از مرحله حیوانی به مرحله روحانی برساند.</p>	
<p>برای مم نه دنیا مطرح است نه آخرت، بلکه او ؛ بهشت او دیدار حق است.</p>	<p>نکوهش دنیا و گریز از آن</p>

دستاورهای پژوهش

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که؛

(۱) زهد احمد خانی اساسا با سیر و سلوک باطنی و تهذیب و دنیاگریزی و انقطاع از برون و اتصال به درون و رهایی از خلق و وصل به خالق است و یا دست کم چنین برداشتی از آن در اذهان وجود دارد. موضوع بندی و روشمند کردن اندیشه های زاهدانه و صوفیانه احمدخانی و قابل دسترس سازی آن با ادبیات داستانی و قالب های روزآمد یک رسالت مهم و ضرورت عقلی و عملی است.

(۲) خانی تحت تأثیر آیات قرآنی، احادیث و آموزه های دینی قرار دارد و تأثیر فرهنگ اسلامی در محتوای این شاعر نمودی بارز دارد. آن چه بر نگرش خانی غالب است ترک دنیا برای رستگاری است که باید دنیا و آخرت را با هم ترک کرد تا به وصال حق نایل گشت و اگر زهد بر مثنوی خانی غلبه دارد بخاطر این است که شعر او به صورت واقعی روح و اراده اوست که به زهد مایل است.

(۳) از آنجایی که شعرهای صوفیانه-عارفانه در واقع وسیله انتقال اخلاقیات بوده است، از اینرو، تجارب خاص احمد خانی در شیوه آموزش و هدایت باعث شده است که اندیشه های زاهدانه وی در ابراز بیان مثنوی مم و زین در لابه لای داستانش به خصوص به واسطه شخصیت مم و دیگر شخصیت ها، از

صورت وعظ خشک و بی روح مستقیم بیرون آید و کیفیت خطابی و القاگر پیدا کند.

۴) در نگاه خانی، عبور از زهد برای نیل به وصال حق الزامی است. از اینرو؛ از دید او عرفان شریعت مدارانه نمود می‌یابد. در این حالت است که او شالوده عرفان را زهد و ورع و ریاضت می‌داند و در سلسله مراتب صعود و نیل به فنا، زهد را عامل نخستین و ابتدایی می‌داند. در این نوع نگاه، زهد سرآغاز عرفان می‌شود و در آخر منجر به عشق حق می‌شود و سپس عارف به فنا می‌رسد.

۵) البته نمی‌توان دیدگاه‌های اجتماعی خانی را در زهدیات او نادیده گرفت، اگر چه با توجه به موضوعات و مضامین مطرح شده در زهدیات او، خانی بیشتر در نقش حکیم نمایان می‌شود. زیرا زبان شعری خانی در زهدیات، یادآور موعظ و پند و حکمت‌های حکیمان است. که درکل، خانی شعر را وسیله انتقال آرا و عقاید خود به جامعه قرار داده بود و خط مشی او در این زمینه بیشتر دینی و حکمی بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱) شعر زهد در اصطلاح ادب نوعی از شعر است که در آن شاعران به نکوهش دنیا و اخلاق مردم دنیا طلب و امثال آن مضامین می‌پردازند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۴۳۷)

۲) که از جمله دلایل آن، آمیختگی با فلسفه یونانی، کلام اسامی و افکار و اندیشه‌های صوفیانه است تا جایی که این مفهوم در برخی موارد، وضوح معنایی خود را از دست داده و هر گروه فکری و عقیدتی با توجه به آموزه‌ها و اصول اساسی خود، تعریفی از آن را ارائه کرده‌اند.

۳) زهد در قرآن کریم تنها یک بار در معنای لغوی و در صیغه فاعلی جمع آن به صورت «زاهدین» به کار رفته است: «وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ» (۲۰/۱۲)

کتابنامه

❖ قرآن کریم

- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۸۲). صد میدان، به اهتمام قاسم انصاری، چاپ ششم، تهران: طهوری.
- برتلس، یوگنی اردواریویچ (۱۳۵۶)، تصوف و ادبیات تصوف، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: امیرکبیر.
- حافظ شیرازی (۱۳۷۱). دیوان غزلیات، به کوشش خطیب رهبر، چاپ نهم، تهران: صفی علیشاه.
- خانی، احمد (۲۰۰۸). مم و زین، ناماده کردن و بهراویزنووسی—نی: ههژار، ههولیر: ئاراس.
- ————— (۲۰۱۲). مم و زین، ترجمه د. شیرزاد شفیع بارزانی، چاپ اول، اربیل: دانشگاه صلاح‌الدین.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه، جلد ۹، تهران: دانشگاه تهران.
- رزمجو، حسین (۱۳۶۸). انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی، تهران: امیرکبیر.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ سوم، تهران: طهوری.
- شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰). تازیانه‌های سلوک، چاپ سوم، تهران: آگاه.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۰). تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، تهران: امیر کبیر.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۶۴). مصیبت نامه، تصحیح دکتر نورانی وصال، چ سوم، تهران: انتشارات زوآر.
- ————— (۱۳۷۴). تذکره الاولیاء، به کوشش نیکلسن، تهران: انتشارات منوچهری.

- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۳۸۵). *الرساله القشریه*، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزان فر، ترجمه ابوعلی عثمانی، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- گوهرین، صادق (۱۳۸۰). *شرح اصطلاحات تصوف*، جلد ۵، تهران: انتشارات زوار.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۷). *المنجد فی اللغه*، چاپ سوم، تهران: اسلام.

پوخته

بیری زاهدانه له مهسنهوی "مه م و زین" دا

یه کیک له بابه ته گرنگه کان له کولتووری مروقیه تیی و به تاییه تی له بیر و ئه ده بیاتی ئیسلامیدا، مهسه له ی پاریز و ته رکی دونیا (زوه د)یه. مه یلی خانی بۆ ته رکی دونیا و پاریزکردن له دونیا، رهگی له بیری مه عریفه ناسانه ی ئه و دایه. تاوتویکردنیکی وردی بواره کانی پاریزکردنی خانی له دونیا کاریگه ریی ده بیته له سهر ره واندنه وه ی لیلی و ته مومژییه کانی سهر که سایه تییبه که ی. دیاره ئه مه به تاکه هوی مه یلی خانی بۆ ته رکی دونیا دانانریت، به لکوو زور هوی دیکه ش که له زانست و رینماییه ئیسلامییه کانه وه سه رچاوه ده گرن، له ریازی زاهدانه ی ئه و دا هه ن که لیره دا به وردی و کونجکولانه لیده کولینه وه. ئه حمه دی خانی بۆ ده برینی مه به سستی پاریزکاریانی په یقی پاراو و ره وان و هه لبه ت ره مزیه ی خوی له چوارچیوه ی چیروکدا هده ربریوه. ئه و پاریزکردنی له خه لک و په نابردنی بۆ ته نیایی، به لایه نه گرنگه کانی پاریزکاری و ته رکی دونیا داده نیت و بۆ وه ک به لگه ی ئاخواتنه که شی که سایه تیی مه م به نمونه ده هینیته وه؛ گوشه گیری مه م هویه ک بوو بۆ سهروه ریی ئه و به سه ر ئه وان دیکه دا. ئه م باسه که به شیوه یه کی شیکاری-وه سفی ئه نجام دراوه، ده یه وه یته وه لامی ئه و پرسیاره سه ره کییه بداته وه که راده ی لیکچوون یان جیاوازی ناوه روکی زاهدانه ی مه سنه ویی مه م و زین چونه، تا بکریت له م ریگایه وه راده ی نزیکیی دهروونی زاهدانه ی ئه م شاعیره له توپی به ره مه به نرخه که ی، مه سنه ویی مه م و زیندا، هه لسه نگیندریت. له م رووه وه، توپژهر له سه ر ئه و باوه ریه که به ره مه که ی خانی تاراده یه ک رووی له پاریزکاری و ته رکی دنیا، هه ر بویه توپژینه وه که هه ول دهدات ناوه روکی زاهدانه له مه سنه ویی مه م و زیندا شی بکاته وه.

وشه کللییه کان: خانی، مه سنه ویی مه م و زین، پاریزکاری، ئه ندیشه ی زاهدانه.

الملخص

دراسة تحليلية في مفهوم الزهد في مثنوية مم و زین

جهاد شكرى رشيد

قسم الغه الفارسيه، كلية اللغات، جامعه صلاح الدين / اربيل

تعتبر مسألة الزهد والكفاف والابتعاد عن الدنيا احدى اهم المسائل في التراث الانساني وبالأخص في الفكر والادب الاسلامي حيث ترجع ميول الشاعر خاني الى ترك الحياة والزهد الى فكره العرفاني. البحث الدقيق في جوانب الكفاف والزهد لدى خاني يزيل الغموض عن شخصيته، فهناك الكثير من الاسباب لميول خاني الزهدية التي ترجع اصولها الى العلم والتعاليم الإسلامية والتي يمكن استشعارها في مذهبه الزهدي وسوف يتم التطرق اليها في هذا البحث. لقد قام خاني بأستخدام تعابير ومصطلحات دقيقة ورمزية ليعبر عن مبعاه الزهدي وفي اطار هذه التعابير والمصطلحات رسم شخصيته في القصة. الابتعاد عن الخلق والرغبة في العزلة هما من اهم عوامل الكفاف وزهد الدنيا، وهذا يمكن ملاحظته في اقوال شخصية مم في الملحمة الشعرية لخاني فعزلة مم تعتبر سببا رئيسيا لهيئته على الاخرين فيها. هذا البحث الذي تمت كتابته بطريقة تحليلية - وصفية يسعى الى الاجابة عن الاسئلة الرئيسية عن مدى التشابه والاختلاف في اللب الزهدي المثنوي في ال(مم وزين) وعن طريقه يتم تقييم التقارب النفسي والزهدي بين الشاعر وعمله. من هذا المنطلق يؤمن الباحث في هذا البحث بأن (مم وزين) هو عمل يتجه كل الأتجاه الى موضوع الكفاف وترك الدنيا، ولهذا السبب يحاول الباحث ان يبين ويحلل اللب الزهدي في مثنوية مم وزين .

الكلمات الرئيسية: خاني، مثنوية مم وزين، الكفاف، الفكر الزهدي.

Abstract

An analytical study of the Asceticism concept in Mamu Zin's Mathnawi

Assistant. Prof. Jihad Shukri Rashid

Department of Persian - College of Languages
Salahaddin University-Erbil

Asceticism is one of the important topics in the humanitarian folklore and especially in the literary and Islamic ideology. The origin of Khani's Asceticism returns back to his gnostic doctrine. An accurate discussion of Khani's mystic and ascetic behavior towards life clears all the vagueness of his personality, his ascetic behavior is not the only reason that made life valueless in his viewpoint but there are a lot of other scientific and religious reasons behind it, which will be discussed in a specific way in this research. Khani in expressing the ascetic connotation of his words he framed himself as well with it. The isolation of oneself and the abandon of people is one of the important elements of asceticism and this is shown in Mam's speeches. The isolation of Mam was a reason for his mastership above the others. This research paper that prepared by using the descriptive-analytical method tries to answer the essential question that is ;what was the degree of the similarity or difference in the ascetic core of Mam u Zin's Mathnawi? In this way the internal ascetic psychology of the poet will be evaluated in his great Mathnawi Mam u Zin. From this point of view the researcher believes that Khani's work to a degree is an ascetic text, so he tries to analyze the ascetic core of Mam u Zin's Mathnawi .

Keywords: Khani, Mam u Zin's Mathnawi, Asceticism, An analytical study.